

گزارش سالانه نقض حقوق بشر در ایران - سال ۱۴۰۴

خلاصه

احکام اعدام

- اجرای حکم اعدام دست کم ۲۶۱۶ زندانی. از جمله ۳۵ زندانی سیاسی، عقیدتی
- صدور حکم اعدام برای ۱۰۷ زندانی
- تأیید حکم اعدام ۴۳ محکوم

بازداشت ها و وضعیت زندان ها

- بازداشت دست کم ۹۴۶۳ شهروند
- قتل دست کم ۶ زندانی در زیر شکنجه
- فوت دست کم ۴۰ زندانی به دلیل عدم رسیدگی پزشکی
- خودکشی منجر به فوت ۴ زندانی بر اثر فشارهای وارده

مجزات بدنی (حکم شلاق)

- صدور حکم شلاق برای ۷۰ متهم
- تعداد شلاق صادره بیش از ۳۳۵۳ ضربه
- اجرای حکم قطع انگشتان ۴ متهم
- صدور حکم قطع انگشتان ۴ متهم دیگر

احکام حبس و جرائم مالی

- صدور حکم برای ۳۴۲ متهم سیاسی، عقیدتی و اثنیکی

- مجموعاً ۱۹۲۵ سال و ۲ ماه و ۲۵ روز حبس
- بازداشت ۱۰۵ محکوم برای اجرای حکم
- جزای نقدی ۷,۰۲۳,۸۰۰,۰۰۰ تومان

حوادث کل‌گري

- فوت ۵۴۶ کارگر
- مصدومیت دست‌کم ۳۷۴۲ کارگر بر اثر حوادث کاری
- قتل ناشی از خشونت علیه زنان ۱۲۹ مورد

اعتراضات و حرکتهای اجتماعی

- برگزاری بیش از ۵۰۰۰ تجمع و حرکت اعتراضی
- ادامه کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۶ زندان سراسر کشور
- تداوم تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی در اعتراض به احکام اعدام
- استمرار اعتراضات بازنشستگان و سایر اقشار جامعه

گزارش سالانه نقض حقوق بشر در ایران - سال ۱۴۰۴

مقدمه

سال ۱۴۰۴ در حالی به پایان رسید که از منظر نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر، به‌ویژه در حوزه اجرای مجازات اعدام، به‌عنوان یکی از خونبارترین سال‌ها در تاریخ معاصر ایران پس از دهه ۱۳۶۰ ثبت شد. بر اساس مستندات گردآوری‌شده، دست‌کم ۲۶۱۶ زندانی در این سال اعدام شده‌اند؛ رقمی که در مقایسه با ۱۱۷۰ مورد ثبت‌شده در سال ۱۴۰۳، نشان‌دهنده افزایشی بیش از ۱۲۰ درصدی است. این آمار، با توجه به محدودیت‌های جدی در دسترسی به اطلاعات، از جمله قطع‌های مکرر و طولانی‌مدت اینترنت و شرایط بحرانی کشور، به‌طور بالقوه کمتر از میزان واقعی ارزیابی می‌شود.

در کنار این روند فزاینده اعدام‌ها، دی‌ماه ۱۴۰۴ شاهد آغاز موجی از اعتراضات سراسری در واکنش به تشدید بحران‌های اقتصادی، از جمله سقوط ارزش پول ملی، افزایش نرخ ارز، تورم افسارگسیخته و گرانی گسترده بود. این اعتراضات که با اعتصاب بازار تهران آغاز شد، به‌سرعت به سایر شهرها و مناطق کشور گسترش یافت و به یک خیزش سراسری علیه تمامیت حکومت تبدیل گردید. پاسخ حاکمیت، سرکوبی گسترده، سازمان‌یافته و خشونت‌آمیز بود؛ به‌گونه‌ای که همزمان با قطع کامل اینترنت در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، گزارش‌های متعدد از کشتار گسترده معترضان منتشر شد که بر اساس آن، هزاران شهروند جان خود را از دست دادند. همچنین گزارش‌هایی از حمله به مراکز درمانی و هدف قرار دادن مجروحان در بیمارستان‌ها ثبت شده است.

علاوه بر این، در سال ۱۴۰۴ دو درگیری نظامی مهم نیز رخ داد که پیامدهای مستقیم آن متوجه غیرنظامیان بود: نخست، جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، و دوم، درگیری‌های هوایی میان جمهوری اسلامی، اسرائیل و ایالات متحده آمریکا. این درگیری‌ها، علاوه بر کشته شدن شماری از مقامات عالی‌رتبه و فرماندهان نظامی، منجر به جان باختن صدها شهروند غیرنظامی و وارد آمدن خسارات گسترده به زیرساخت‌های عمومی، منازل مسکونی و مراکز آموزشی شد.

در مجموع، سال ۱۴۰۴ را می‌توان یکی از تاریک‌ترین دوره‌ها از حیث نقض گسترده، سازمان‌یافته و فزاینده حقوق بشر در ایران ارزیابی کرد. این گزارش با تمرکز ویژه بر وضعیت زندانیان و مجازات اعدام، تلاش دارد با ارائه داده‌های مستند و تحلیل روندها، تصویری دقیق از ابعاد این بحران ارائه دهد. در ادامه، ابتدا روند پنج‌ساله نقض حقوق بشر، به‌ویژه اعدام‌ها، مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد؛ سپس آمار تفصیلی ماه‌های سال ۱۴۰۴ ارائه شده و در نهایت، تحلیل ماهانه این روند در بازه پنج‌ساله به تفکیک ارائه خواهد شد.

نهاد حقوق بشری «لیگ حقوق بشر زندانیان ایران» ضمن تأکید بر ضرورت پاسخگویی، از مراجع بین‌المللی، از جمله سازوکارهای قضایی بین‌المللی، می‌خواهد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی موجود، در

جهت پایان دادن به مصونیت عاملان این نقض‌ها اقدام کنند. همچنین از تمامی نهادهای بین‌المللی انتظار می‌رود با اتخاذ اقدامات عملی و مؤثر، در جهت توقف این روند نگران‌کننده گام بردارند.

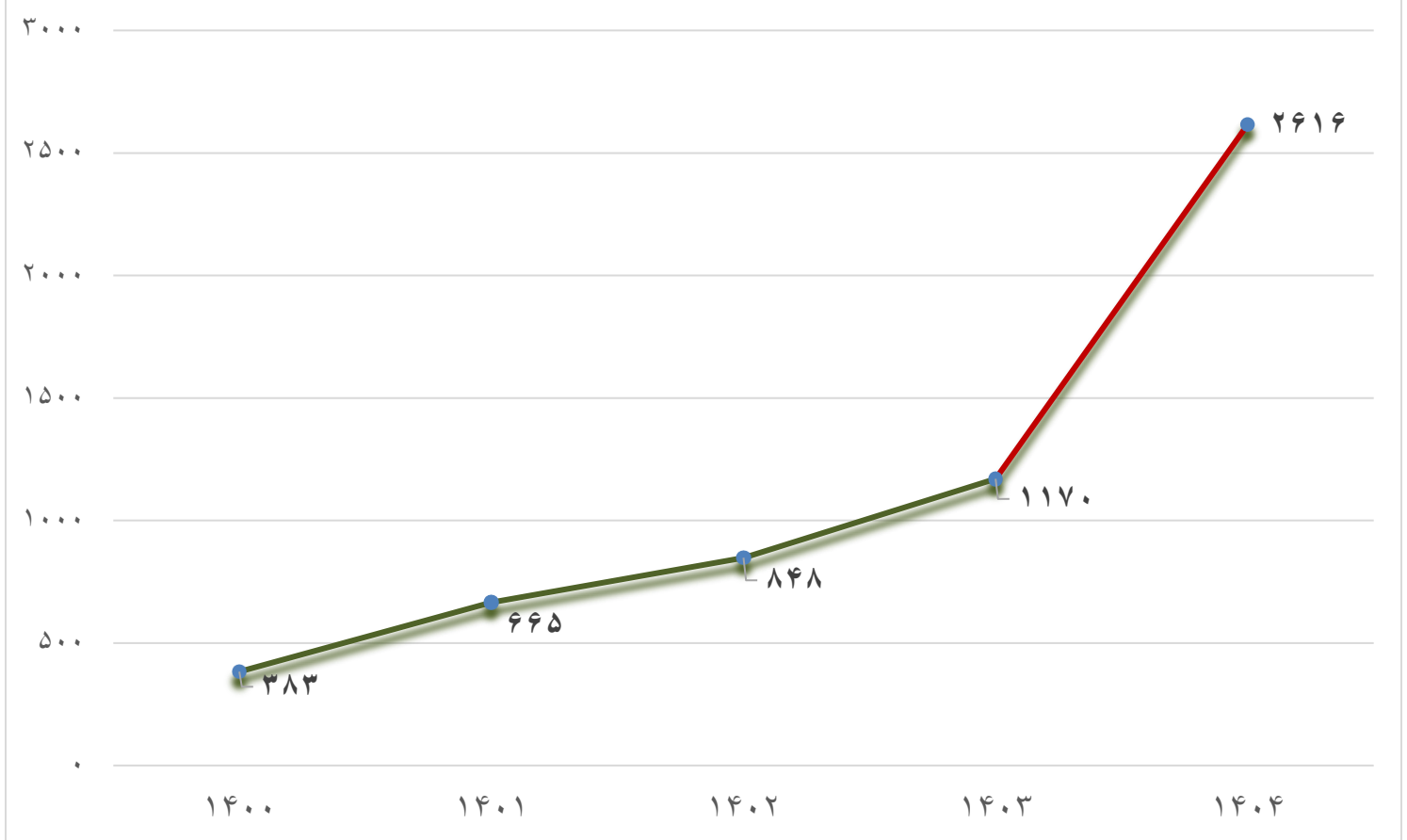
مقایسه آمار اعدام‌ها در ۵ سال گذشته:

بررسی روند استفاده از مجازات اعدام توسط مقامات جمهوری اسلامی در بازه پنج‌ساله اخیر، نشان‌دهنده یک الگوی تصاعدی و نگران‌کننده در به‌کارگیری این ابزار سرکوب است. داده‌های مستند حاکی از آن است که شمار اعدام‌ها از ۳۸۳ مورد در سال ۱۴۰۰، به‌طور مستمر افزایش یافته و به ۶۶۵ مورد در سال ۱۴۰۱ و ۸۴۸ مورد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این روند در سال ۱۴۰۳ با ثبت ۱۱۷۰ مورد اعدام وارد مرحله‌ای جدید شد، اما اوج این افزایش در سال ۱۴۰۴ رقم خورد؛ جایی که شمار اعدام‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای به ۲۶۱۶ مورد رسید.

این روند نه‌تنها بیانگر یک افزایش کمی، بلکه نشان‌دهنده یک جهش کیفی در استفاده از اعدام به‌عنوان ابزار کنترل اجتماعی و سیاسی است. به‌ویژه فاصله میان سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۴، که بیش از دو برابر شدن آمار را نشان می‌دهد، بیانگر ورود به مرحله‌ای جدید از تشدید سرکوب سیستماتیک است.

نمودار خطی ارائه‌شده در این بخش، به‌روشنی این روند صعودی را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که چگونه اعدام، در طول این پنج سال، به‌طور فزاینده‌ای به یکی از ابزارهای اصلی حاکمیت برای مدیریت بحران‌های داخلی، مهار اعتراضات و ایجاد فضای ارعاب در جامعه تبدیل شده است. در ادامه، این روند به‌صورت دقیق‌تر مورد تحلیل قرار گرفته و ارتباط آن با تحولات سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشور بررسی خواهد شد.

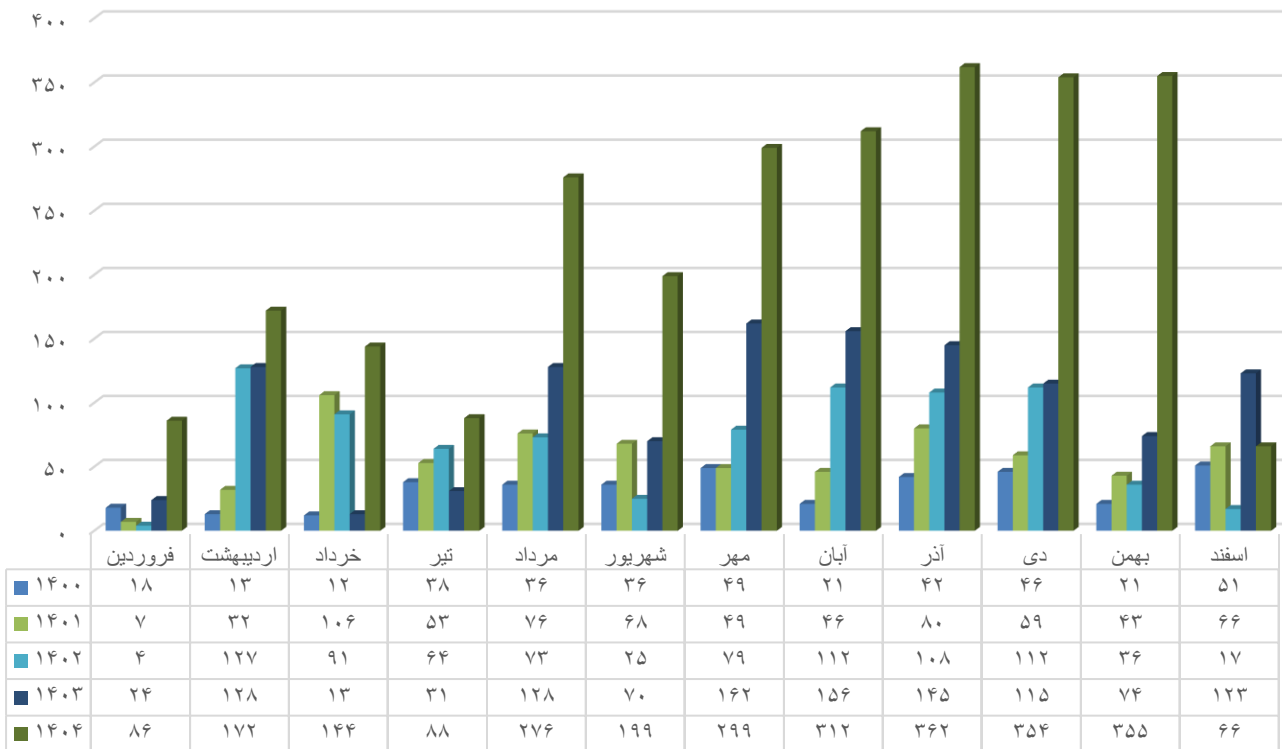
روند افزایش اعدام‌ها در ایران در طول ۵ سال اخیر - ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴



مقایسه ماهیانه اعدام‌ها در طول ۵ سال گذشته

نمودار زیر آمار اعدام در ۵ سال اخیر به تفکیک هر ماه را نشان می‌دهد.

روند اعدام‌ها در ۵ سال اخیر به تفکیک ماه



بررسی آمارهای منتشرشده از سوی «مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران» نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۴، موج اعدام‌ها در ایران به سطحی بی‌سابقه و به‌شدت نگران‌کننده رسیده است؛ به‌گونه‌ای که دست‌کم ۲۶۱۳ زندانی در زندان‌های مختلف کشور اعدام شده‌اند. بخش عمده این اعدام‌ها مربوط به اتهامات قتل (۱۳۹۳ مورد) و جرایم مرتبط با مواد مخدر (۱۱۰۶ مورد) بوده، اما در کنار آن، افزایش چشمگیر اعدام‌های سیاسی و عقیدتی با ۳۵ مورد - در مقایسه با تنها ۷ مورد در سال قبل - نشان‌دهنده جهشی بیش از ۵۰۰ درصد و بیانگر استفاده فزاینده از مجازات اعدام به‌عنوان ابزار سرکوب سیاسی است. همچنین ثبت ۱۵ مورد اعدام با اتهام جاسوسی در حالی که در سال پیش هیچ موردی گزارش نشده بود، بر تشدید فضای امنیتی و قضایی کشور دلالت دارد. از مجموع ۲۶۱۶ اعدام ثبت‌شده، تنها ۱۰۱ مورد توسط رسانه‌ها و منابع رسمی جمهوری اسلامی اعلام شده و ۲۵۱۵ مورد دیگر از طریق

فعالان حقوق بشر، خانواده‌ها و شهروند خبرنگاران مستندسازی شده است؛ شکافی که به روشنی از نبود شفافیت ساختاری در اطلاع‌رسانی رسمی حکایت دارد. حضور ۶۷ زن، ۸ کودک مجرم و ۱۰ مورد اعدام در ملاعام در میان این آمار، ابعاد تکان‌دهنده‌تری به این وضعیت می‌بخشد و نشان می‌دهد که روند اعدام‌ها نه تنها از نظر کمی، بلکه از منظر نقض اصول بنیادین حقوق بشر، دادرسی عادلانه و تعهدات بین‌المللی ایران نیز به مرحله‌ای بحرانی رسیده است.

تحلیل بر اساس ویژگی‌های اعدام‌شدگان

جنسیت و سن

بر اساس گزارش «مرکز آمار و پایش لیگ حقوق بشر زندانیان ایران»، در سال ۱۴۰۴ دست‌کم ۶۷ زن در زندان‌های مختلف کشور اعدام شده‌اند؛ آماري که در مقایسه با ۳۰ مورد در سال گذشته، افزایشی بیش از ۱۲۰ درصدی حکایت دارد. این جهش چشمگیر، نشان‌دهنده تشدید نگران‌کننده استفاده از مجازات اعدام علیه زنان در سال مورد بررسی است و ابعاد تازه‌ای از نقض حقوق بشر در نظام قضایی ایران را آشکار می‌سازد. افزایش شمار زنان اعدام‌شده، افزون بر بازتاب روند کلی صعودی اعدام‌ها، ضرورت توجه ویژه به وضعیت زنان در فرآیندهای قضایی، دسترسی آنان به دادرسی عادلانه، کیفیت وکالت، و بررسی زمینه‌های اجتماعی و حقوقی پرونده‌ها را دوچندان می‌کند. این روند همچنین لزوم مستندسازی دقیق‌تر، شفافیت بیشتر، و واکنش جدی نهادهای حقوق بشری بین‌المللی نسبت به وضعیت زنان زندانی در ایران را برجسته می‌سازد.

موارد خاص اعدام‌شدگان سیاسی

فروردین ۱۴۰۴:

● مالک علی فدایی نسب

● فرهاد شاکری

● عبدالحکیم عظیم گرگیج

● عبدالرحمان گرگیج

● تاج محمد خرماالی

● علی دهانی

اردیبهشت ۱۴۰۴:

● حمید حسین نژاد حیدرانلو (مخفیانه در زندان ارومیه)

● رستم زین‌الدینی (حاجی گل) - زندان زاهدان

خرداد ۱۴۰۴:

● مجاهد کورکور (عباس کورکوری) (از بازداشت شدگان قیام ۱۴۰۱)

● ۹ زندانی عقیدتی به اتهام محاربه از طریق اقدام مسلحانه و عضویت در گروه داعش

مرداد ۱۴۰۴:

● بهروز احسانی اسلاملو به اتهام بغی، محاربه و عضویت در سازمان مجاهدین خلق

● مهدی حسنی به اتهام بغی، محاربه و عضویت در سازمان مجاهدین خلق

● مهدی اصغر زاده زندان عقیدتی اهل سنت به اتهام عضویت در داعش

شهریور ۱۴۰۴:

● مهران بهرامیان از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱

● یک زندانی عقیدتی، به اتهام عضویت در داعش (هویت نامعلوم)

مهر ۱۴۰۴:

● سامان محمدی خیاره به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروه‌های مخالف و ترور ماموستا شیخ الاسلام

● علی مجدم به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروه‌های مسلح و کشتن ۴ مامور

● معین خنفری به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروه‌های مسلح و کشتن ۴ مامور

● سیدسالم موسوی به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروه‌های مسلح و کشتن ۴ مامور

● محمدرضا مقدم به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروه‌های مسلح و کشتن ۴ مامور

● عدنان آلبوشوکه (غیبشاهی) به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروه‌های مسلح و کشتن ۴ مامور

● حبیب دریس به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروههای مسلح و کشتن ۴ مامور

بهمن ۱۴۰۴:

● آمانج کاروانچی به اتهام عقیدتی

● ارسال شیخی به اتهام عقیدتی

اسفند ۱۴۰۴:

● مهدی قاسمی از بازداشت شدگان قیام دی ۱۴۰۴

● صالح محمدی از بازداشت شدگان قیام دی ۱۴۰۴

● سعید داودی از بازداشت شدگان قیام دی ۱۴۰۴

مخفی کاری اعدامها

از مجموع ۲۶۱۶ مورد اعدام ثبت شده در سال ۱۴۰۴، تنها ۱۰۱ مورد - یعنی کمتر از ۴ درصد - توسط رسانه‌ها و منابع رسمی جمهوری اسلامی اعلام شده‌اند. این بدان معناست که بیش از ۹۶ درصد اعدامها در سکوت کامل، همراه با پنهان کاری هدفمند و سازمان یافته، به اجرا درآمده‌اند و تنها از طریق تلاش‌های مستمر نهادهای حقوق بشری، خانواده‌های قربانیان و شبکه‌های شهروند خبرنگاری افشا شده‌اند. چنین شکاف عمیقی میان آمار رسمی و داده‌های مستندسازی شده مستقل، نه تنها بیانگر فقدان شفافیت ساختاری در نظام قضایی و زندان‌های ایران است، بلکه نشان می‌دهد پنهان سازی اعدامها خود به بخشی از سازوکار سرکوب و مصونیت سازی حکومتی تبدیل شده است. این سطح از محرمانه سازی، امکان نظارت عمومی، دسترسی به حقیقت، و ارزیابی رعایت حداقل استانداردهای دادرسی عادلانه را به شدت محدود کرده و ضرورت توجه فوری نهادهای بین المللی به الگوی پنهان اعدامها در ایران را دوچندان می‌سازد.

۲. صدور و تأیید احکام اعدام

در سال ۱۴۰۴، روند صدور و تأیید احکام اعدام نیز همچون اجرای این مجازات، ابعادی نگران کننده و گسترده داشته است. بر اساس داده‌های ثبت شده، دست کم برای ۱۰۷ متهم حکم اعدام صادر شده و حکم اعدام ۴۳ زندانی دیگر نیز به تأیید دیوان عالی کشور رسیده است؛ آماري که نشان دهنده تداوم و تثبیت استفاده از مجازات مرگ در ساختار قضایی جمهوری اسلامی است. در میان این افراد، حضور ۵۰ زندانی سیاسی و عقیدتی، از جمله یک زن زندانی سیاسی، اهمیت ویژه‌ای دارد و بیانگر گسترش استفاده از حکم اعدام در پرونده‌های مرتبط با فعالیت‌های سیاسی، عقیدتی و مخالفت با حاکمیت است. افزون بر

این، ۵ زن دیگر نیز با اتهام‌های مختلف به اعدام محکوم شده‌اند و ۹ نفر از محکومان با اتهام جاسوسی روبه‌رو بوده‌اند؛ موضوعی که از تشدید رویکرد امنیتی و قضایی در قبال متهمان سیاسی و امنیتی حکایت دارد. این آمار نشان می‌دهد که دامنه صدور احکام اعدام در سال مورد بررسی، تنها به جرایم عمومی محدود نبوده و طیفی از اتهامات سیاسی، عقیدتی و امنیتی را نیز در بر گرفته است؛ روندی که ضرورت نظارت دقیق‌تر بر رعایت اصول دادرسی عادلانه، حق دسترسی به وکیل مستقل و جلوگیری از استفاده ابزاری از مجازات اعدام را بیش از پیش برجسته می‌کند.

احکام شلاق

در سال ۱۴۰۴، مجازات شلاق همچنان به‌عنوان یکی از ابزارهای تنبیهی در نظام قضایی جمهوری اسلامی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که دست‌کم برای ۷۰ متهم، در مجموع ۳۳۵۳ ضربه شلاق حکم صادر شده است. با این حال، وضعیت اجرای حکم برای ۹ نفر از محکومان. از جمله اعضای شورای شهر سردشت که به اتهام رشاء و ارتشاء محکوم شده بودند. به‌صورت شفاف مشخص نشده و این ابهام، بار دیگر مسئله نبود شفافیت در روند اجرای مجازات‌ها را برجسته می‌کند. در میان محکومان، حضور ۸ متهم سیاسی نیز قابل توجه است که حکم شلاق دو تن از آنان، آتش کرمی و رضا رضایی، به اجرا درآمده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد این مجازات نه‌تنها در پرونده‌های عمومی، بلکه در برخورد با فعالان و متهمان سیاسی نیز به‌کار گرفته می‌شود. مجازات شلاق به‌عنوان یکی از مصادیق مجازات‌های بدنی و تحقیرآمیز، ذاتاً با کرامت انسانی در تعارض است و از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند مصداق رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز تلقی شود. استمرار صدور و اجرای این مجازات، علی‌رغم تعهدات بین‌المللی ایران ذیل اسناد بنیادینی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پرسش‌های جدی درباره تناسب جرم و مجازات، رعایت اصول دادرسی منصفانه و پایبندی نظام قضایی به حداقل استانداردهای حقوق بشری ایجاد می‌کند.

قطع انگشتان دست

در سال ۱۴۰۴، اجرای و صدور احکام قطع عضو همچنان به‌عنوان یکی از خشن‌ترین اشکال مجازات بدنی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ادامه یافت. در این سال، حکم قطع چهار انگشت دست راست سه زندانی به نام‌های هادی رستمی، مهدی شرفیان و مهدی شاهپوند در زندان مرکزی ارومیه به اجرا درآمد و همچنین محسن عاشیری، زندانی ۳۷ ساله اهل زازران و ساکن اصفهان، نیز در زندان مرکزی اصفهان با اجرای حکم مشابه مواجه شد. افزون بر موارد اجراشده، چهار متهم پرونده موسوم به «باند سارقان عنکبوتی شمال تهران» نیز از سوی شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به اتهام سرقت حدی به مجازات قطع انگشتان دست راست محکوم شدند؛ حکمی که در چارچوب مقررات کیفری مربوط به

جرایم حدی صادر شده است. تداوم صدور و اجرای چنین احکامی نشان می‌دهد که مجازات‌های بدنی غیرقابل بازگشت همچنان بخشی از سازوکار کیفری رسمی در ایران باقی مانده‌اند. از منظر بسیاری از نهادهای حقوق بشری و صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل، مجازات قطع عضو به‌عنوان یکی از آشکارترین مصادیق رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز شناخته می‌شود که با اصل کرامت ذاتی انسان در تعارض بنیادین قرار دارد. ماهیت غیرقابل جبران و مادام‌العمر این مجازات، نه‌تنها آثار جسمی و روانی عمیقی بر فرد محکوم بر جای می‌گذارد، بلکه پرسش‌های جدی درباره تناسب جرم و مجازات، امکان بازپروری، و پایبندی نظام قضایی به موازین شناخته‌شده حقوق بشری مطرح می‌کند.

موج بزداشت‌ها

در سال ۱۴۰۴، بیش از ۹۴۶۳ نفر از شهروندان به دلایل سیاسی و به‌ویژه به دلیل شرکت در اعتراضات سراسری بزداشت شدند. این در حالی است که منابع حقوق بشری، شمار بزداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه را به‌تنهایی بیش از ۵۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند.

در میان بزداشت‌شدگان:

- زندانیان سیاسی سابق، فعالان سیاسی
- شرکت‌کنندگان در اعتراضات سراسری
- فعالان رسانه‌ای و فضای مجازی، هنرمندان
- اصناف، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران و بازنشستگان
- فعالان اثنیکی و شهروندان بهایی و نوکیشان مسیحی

هدف سرکوب‌های گسترده قرار گرفتند.

به گزارش منابع حقوق بشری، بیش از ۵۰ هزار نفر به دلیل شرکت در اعتراضات سراسری که از ۷ دی‌ماه و با شروع اعتصاب کسبه و بازاریان در اعتراض به گرانی و سقوط ارزش پول ملی آغاز شد، بزداشت گردیدند. این آمار، گستردگی دامنه سرکوب و استفاده از بزداشت‌های جمعی برای مهار نارضایتی عمومی در میان اقشار مختلف جامعه را به‌روشنی نشان می‌دهد.

حوادث زندان ها:

در سال ۱۴۰۴، گزارش‌ها از وضعیتی به شدت نگران‌کننده در زندان‌های ایران حکایت دارد؛ به گونه‌ای که دست‌کم ۴ زندانی در پی اعمال شکنجه جان خود را از دست داده‌اند. همچنین حدود ۴۰ زندانی به دلیل تأخیر در اعزام به مراکز درمانی یا عدم رسیدگی مناسب پزشکی فوت کرده‌اند و ۶ زندانی نیز در نتیجه شرایط سخت نگهداری، فشارهای روحی و فقدان دسترسی به خدمات روان‌درمانی، دست به خودکشی زده و جان باخته‌اند. این آمار، تصویری هشداردهنده از وضعیت حق حیات، سلامت و کرامت انسانی در محیط‌های بازداشتگاهی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که محرومیت از درمان و فشارهای ساختاری، خود به عاملی برای مرگ زندانیان تبدیل شده است.

در همین چارچوب، وضعیت زندانیان دارای بیماری‌های خاص نیز قابل توجه است. برای نمونه، زندانی سیاسی سمیه رشیدی که از بیماری صرع و سردردهای شدید رنج می‌برد، بنا بر گزارش‌ها به دلیل عدم اعزام به موقع به بیمارستان و نیز جایگزینی داروهای تخصصی با داروهای آرام‌بخش، پس از حدود ۱۰ روز قرار داشتن در کمای عمیق در بیمارستان مفتوح ورامین جان خود را از دست داد. این گونه موارد، ضرورت توجه فوری به استانداردهای درمانی، حق دسترسی به خدمات تخصصی پزشکی، و رعایت حقوق بیماران در محیط‌های بازداشتگاهی را برجسته می‌سازد.

از دیگر تحولات قابل اشاره، برگزاری اعتصاب غذای موسوم به «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۶ زندان کشور است. همچنین تجمع‌ها، اعتراضات، سردادن شعارهای اعتراضی و همخوانی سروده‌ها در مناسبت‌های مختلف در زندان‌ها برگزار شد که نشان‌دهنده مقاومت، ایستادگی و تلاش زندانیان برای بیان مطالبات خود است. این اقدامات، بیانگر آن است که زندانیان علی‌رغم فشارهای امنیتی، همچنان از اشکال مسالمت‌آمیز اعتراض برای رساندن صدای خود بهره می‌گیرند.

همچنین، اعتصاب غذا و تحصن زندانیان در زندان قزلحصار در اعتراض به اجرای احکام اعدام، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با مواد مخدر، از دیگر رویدادهای مهم این سال بوده است. این زندانیان با طرح خواسته‌هایی از جمله توقف اجرای احکام اعدام و اعمال تخفیف در مجازات‌ها دست به اعتصاب غذا زدند. در نهایت، با تداوم اعتراضات و پس از ارائه برخی وعده‌ها از سوی مقامات مبنی بر توقف موقت اجرای احکام و بازگرداندن زندانیان منتقل‌شده به سلول‌های انفرادی، اعتصاب‌کنندگان پایان اعتصاب خود را اعلام کردند. این حرکت اعتراضی همچنین از سوی زندانیان سیاسی مورد حمایت قرار گرفت و به یکی از نمادهای مقاومت مدنی درون زندان‌ها در سال ۱۴۰۴ تبدیل شد.

محکومیت‌های قضایی و اجرای احکام

در سال گذشته برای ۳۴۲ پرونده مرتبط با متهمان سیاسی، عقیدتی و اثنیکی احکام قضایی صادر شد. و ۱۰۵ محکوم جهت اجرای حکم صادره بازداشت شدند.

- جمع کل احکام حبس صادرشده: ۱۹۲۵ سال، ۲ ماه و ۲۵ روز
- مجموع جزای نقدی: ۷/۰۲۳/۸۰۰/۰۰۰ تومان

همچنین ۱۰۵ محکوم سیاسی، عقیدتی، اثنیکی و شهروندان بهایی و نوکیش مسیحی جهت اجرای احکام صادره بازداشت شدند. افراد محکوم‌شده شامل فعالان سیاسی، زندانیان سیاسی محبوس در زندان در پرونده های جدید، خانواده های دادخواه، دانشجو، خبرنگاران، نویسندگان، هنرمندان، روحانیان اهل سنت و تشیع، فعالین اثنیکی، شهروندان بهایی، نوکیش مسیحی بودند.

حوادث کارگری

به دلیل نبود ایمنی کافی، در سال گذشته ۵۴۶ کارگر در حین کار جان باختند. ۳۷۴۲ کارگر دیگر دچار مصدومیت شدند.

عوامل اصلی این حوادث عبارتند از

نبود تجهیزات ایمنی استاندارد

عدم آموزش و نظارت کافی

سهل‌انگاری کارفرمایان

به گفته معاون وزارت بهداشت، سالانه حدود ۱۰ هزار نفر در ایران بر اثر حوادث کار جان می‌بازند. آمار رسمی بیش از ۲۰۰۰ مرگ سالانه را ثبت می‌کند، اما کارگران غیررسمی، کولبران و سوخت‌بران در این آمار گنجانده نمی‌شوند.

به دلیل نبود ایمنی کافی در محیط‌های کاری، در سال گذشته شمار قابل توجهی از کارگران جان خود را از دست داده یا دچار آسیب‌های جسمی شدند. بر اساس گزارش‌های ثبت‌شده:

• ۵۴۶ کارگر در حین کار جان باختند
 • ۳۷۴۲ کارگر دیگر دچار مصدومیت شدند

عوامل اصلی این حوادث عبارتند از:

- نبود تجهیزات ایمنی استاندارد
- عدم آموزش و نظارت کافی
- سهل‌انگاری کارفرمایان

این آمار تنها بخشی از ابعاد واقعی بحران ایمنی کار در ایران را نشان می‌دهد. به گفته معاون وزارت بهداشت، سالانه حدود ۱۰ هزار نفر در ایران بر اثر حوادث کار جان می‌بازند. در مقابل، آمار رسمی تنها بیش از ۲۰۰۰ مرگ سالانه را ثبت می‌کند؛ اختلافی که نشان‌دهنده شکاف جدی میان داده‌های رسمی و واقعیت موجود در محیط‌های کاری است. نکته مهم آن است که در آمارهای رسمی، بسیاری از گروه‌های پرخطر از جمله کارگران غیررسمی، کولبران و سوخت‌بران لحاظ نمی‌شوند؛ در نتیجه، ابعاد واقعی تلفات و مصدومیت‌های ناشی از کار به مراتب گسترده‌تر از ارقام اعلام‌شده است. این وضعیت، ضرورت توجه فوری به استانداردهای ایمنی، بازرسی‌های مؤثر، مسئولیت‌پذیری کارفرمایان و حمایت از کارگران آسیب‌پذیر را برجسته می‌کند.

خشونت علیه زنان

در سال گذشته، دست‌کم ۱۲۹ زن در نتیجه خشونت‌هایی که به قتل انجامیده، جان خود را از دست داده‌اند؛ آماري تکان‌دهنده که ابعاد نگران‌کننده خشونت علیه زنان را در جامعه آشکار می‌سازد. دلایل اعلام‌شده برای این قتل‌ها، اغلب از سوی مرتکبان یا اطرافیان قربانیان، با عناوین کلی و مبهمی مانند «اختلافات خانوادگی» یا «مسائل ناموسی» مطرح می‌شود. این نوع نام‌گذاری نه تنها واقعیت این جنایت‌ها را پنهان می‌کند، بلکه به عادی‌سازی خشونت، پنهان‌سازی ریشه‌های ساختاری آن و نادیده‌گرفتن مسئولیت‌های قانونی و اجتماعی دامن می‌زند و مانع از درک دقیق ابعاد مسئله می‌شود.

بررسی دقیق‌تر این موارد نشان می‌دهد که بسیاری از این قتل‌ها در بستری از مشکلات اقتصادی، محدودیت‌های فرهنگی، نابرابری‌های جنسیتی، و خلأهای قانونی و حمایتی رخ داده‌اند. نبود قوانین بازدارنده کافی، اجرای ناکارآمد مقررات موجود و دسترسی محدود زنان به حمایت‌های مؤثر، از عواملی هستند که زمینه تکرار چنین خشونت‌هایی را فراهم می‌کنند. در بخش قابل‌توجهی از این موارد، زنان به دست نزدیک‌ترین افراد زندگی خود کشته شده‌اند؛ افرادی که به‌طور معمول باید نقش حامی و پناه امن را

ایفا کنند. با این حال، این پرونده‌ها غالباً بدون بررسی عمیق و تنها با عنوان کلی «اختلافات خانوادگی» ثبت می‌شوند؛ عنوانی که می‌تواند مانع شناسایی الگوهای خشونت و پیشگیری مؤثر از تکرار آن شود.

تکرار چنین رویدادهایی نشان می‌دهد که ایجاد و تقویت ساختارهای حمایتی برای زنان در معرض خطر. از جمله خانه‌های امن، خطوط حمایتی، دسترسی به مشاوره تخصصی و خدمات اجتماعی. در کنار اصلاح و اجرای مؤثر قوانین مرتبط با خشونت خانگی و قتل‌های مبتنی بر جنسیت، ضرورتی فوری و جدی است. همچنین، افزایش آگاهی عمومی، آموزش درباره پیشگیری از خشونت، و تغییر نگرش‌های فرهنگی تبعیض‌آمیز می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در کاهش این موارد داشته باشد. بدون اتخاذ این اقدامات، خطر تداوم چرخه خشونت علیه زنان و بازتولید این جنایت‌ها همچنان پابرجا خواهد ماند.

اعتراضات و اعتصابات

در سال ۱۴۰۴، فضای اجتماعی و سیاسی ایران شاهد بیش از ۵۰۰۰ تجمع و حرکت اعتراضی در اقصی نقاط کشور بود؛ آماري که نشان‌دهنده تداوم و گسترش نارضایتی عمومی در میان اقشار مختلف جامعه است. در همین سال، کمپین «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در آستانه ورود به دومین سال فعالیت خود قرار گرفت و به یکی از ماندگارترین و فراگیرترین اشکال اعتراض مدنی در حوزه حقوق بشر و مخالفت با مجازات اعدام تبدیل شد.

در سال گذشته، کشور شاهد خیزشی گسترده و کم‌سابقه از سوی شهروندان بود؛ خیزشی که ریشه در تشدید بحران‌های اقتصادی، سقوط بی‌سابقه ارزش پول ملی و جهش افسارگسیخته نرخ ارز داشت. این تحولات، همراه با افزایش تورم و کاهش شدید قدرت خرید، فشار سنگینی بر معیشت اقشار مختلف جامعه وارد کرد و به نارضایتی عمومی دامن زد. در چنین شرایطی، اعتصابات‌های گسترده بازاریان و کسبه، به‌ویژه در تهران، با تعطیلی مغازه‌ها و توقف فعالیت‌های اقتصادی شکل گرفت و به یکی از جلوه‌های برجسته اعتراضات تبدیل شد.

معترضان در این حرکت‌های اعتراضی، با سر دادن شعارهایی، خشم، نگرانی و بی‌اعتمادی عمیق خود نسبت به وخامت شرایط اقتصادی، بی‌ثباتی بازار و چشم‌انداز مبهم آینده را ابراز کردند. دامنه این اعتراضات به سرعت از مراکز شهری فراتر رفت و به نقاط مختلف کشور گسترش یافت. در این میان، طرح شعارهای صریح سیاسی بیانگر تعمیق شکاف میان بخش‌هایی از جامعه و ساختار حاکمیتی و نشان‌دهنده افزایش مطالبات برای تغییرات بنیادین در شیوه حکمرانی بود.

در واکنش به این اعتراضات، حکومت با اتخاذ رویکردی امنیتی اقدام به قطع گسترده و سراسری اینترنت کرد تا از گسترش اطلاع‌رسانی و هماهنگی معترضان جلوگیری کند. هم‌زمان، در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، برخوردهای قهرآمیز با معترضان به اوج خود رسید و خشونت مرگبار مأموران حکومتی با شلیک مستقیم

گلوله‌های جنگی به کشتار گسترده معترضان انجامید. همچنین، بنا بر گزارش‌های مستند، تعدادی از مجروحان در مراکز درمانی و بیمارستان‌ها نیز توسط مأموران امنیتی هدف شلیک قرار گرفته و جان خود را از دست دادند؛ رخدادی که نگرانی‌های جدی درباره نقض اصول اولیه حقوق انسانی و مصونیت مراکز درمانی برانگیخت.

از دیگر رویدادهای مهم اعتراضی در سال گذشته، تداوم اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و عقیدتی در ۵۶ زندان کشور است که اکنون در آستانه دومین سال خود قرار دارد و به یکی از طولانی‌ترین و کم‌سابقه‌ترین اشکال اعتراض در این حوزه تبدیل شده است. این اعتصاب‌ها در زندان‌هایی چون اوین، قزلحصار، مشهد، ارومیه، اهواز، تبریز، سنندج، اصفهان، شیراز، بوکان و یاسوج ادامه داشته و هدف اصلی آن، جلب توجه افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی به نقض حقوق بنیادین زندانیان، شرایط نامناسب نگهداری و اعتراض به اجرای احکام اعدام عنوان شده است.

در کنار این اقدامات، خانواده‌های زندانیان نیز با برگزاری تجمعات هفتگی و فعالیت‌های مدنی، به این موج اعتراضی پیوسته‌اند. آنان با طرح مطالباتی همچون بازنگری در احکام صادره، رعایت کرامت انسانی زندانیان، دسترسی به دادرسی عادلانه و توقف اجرای مجازات اعدام، تلاش کرده‌اند صدای زندانیان را به جامعه منتقل کنند. این هم‌صدایی میان زندانیان و خانواده‌های آنان، بازتابی از تداوم نگرانی‌های عمیق اجتماعی نسبت به وضعیت حقوق بشر و عدالت قضایی در کشور است. اعتراضات سایر اقشار جامعه نیز در سال ۱۴۰۴ تداوم یافت؛ از جمله بازنشستگان تأمین اجتماعی، کارکنان مخابرات، فرهنگیان، کارکنان حوزه بهداشت، کارگران، پرستاران و کادر درمان، رانندگان و کارگران صنایع نفت و گاز که برای احقاق حقوق خود و در اعتراض به فقر، تبعیض، بی‌عدالتی، گرانی، تورم و عدم رسیدگی به مطالباتشان به خیابان‌ها آمدند. تداوم این اعتراضات صنفی و معیشتی نشان می‌دهد که دامنه نارضایتی عمومی، فراتر از یک مقطع زمانی یا یک گروه خاص، به مسئله‌ای فراگیر و ساختاری در سطح جامعه تبدیل شده است.

جمع‌بندی

سال ۱۴۰۴ را باید نقطه اوج یکی از عمیق‌ترین بحران‌های حقوق بشری، اجتماعی و سیاسی در تاریخ معاصر ایران دانست؛ سالی که در آن، هم‌زمان با تشدید فروپاشی اقتصادی و افزایش نارضایتی عمومی، ماشین سرکوب حکومتی نیز با شدتی بی‌سابقه به کار گرفته شد. ثبت بیش از ۲۶۰۰ مورد اعدام که بالاترین رقم در سال‌های اخیر و بیش از ۱۲۰ درصد بیشتر از سال قبل است. به‌روشنی نشان می‌دهد که مجازات مرگ در سال مورد بررسی نه صرفاً به‌عنوان یک ابزار قضایی، بلکه به‌مثابه سیاستی هدفمند برای ارباب جامعه، خاموش کردن اعتراضات و مهار بحران‌های سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شده است. افزایش کم‌سابقه اعدام‌های سیاسی و عقیدتی، اعدام زنان، کودکان مجرم، اعدام‌های مخفیانه و همچنین صدور گسترده احکام اعدام، همگی تصویری هولناک از تعمیق سرکوب ساختاری در کشور ارائه می‌دهند.

در کنار این، تداوم مجازات‌های خشن و غیرانسانی از جمله شلاق، قطع عضو، شکنجه، محرومیت درمانی و مرگ زندانیان در بازداشتگاه‌ها، نشان می‌دهد که نقض حقوق بشر در ایران تنها به سلب حق حیات محدود نبوده، بلکه طیفی گسترده از رفتارهای ظالمانه، تحقیرآمیز و ناقض کرامت انسانی را در بر گرفته است. مرگ زندانیان در اثر شکنجه، تأخیر درمانی، فشارهای روحی و خودکشی، در کنار وضعیت فاجعه‌بار زندانیان بیمار، گواه آن است که زندان‌ها بیش از پیش به کانون‌های بحران انسانی تبدیل شده‌اند. با این حال، مقاومت مستمر زندانیان سیاسی و عقیدتی در قالب اعتصاب‌های غذا، اعتراضات درون زندان و تداوم کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» که اکنون به دومین سال خود نزدیک شده، نشان‌دهنده زنده‌بودن مطالبه عدالت و کرامت انسانی حتی در سخت‌ترین شرایط سرکوب است.

در سطح جامعه نیز سال ۱۴۰۴ شاهد بیش از ۵۰۰۰ تجمع و حرکت اعتراضی در نقاط مختلف کشور بود؛ از اعتراضات گسترده ناشی از سقوط ارزش پول ملی و بحران معیشتی گرفته تا اعتصاب‌های بازاریان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، رانندگان و کارکنان صنایع نفت و گاز. گستردگی این اعتراضات نشان داد که بحران موجود، دیگر محدود به یک قشر یا حوزه خاص نیست، بلکه به نارضایتی فراگیر ملی بدل شده است. واکنش حکومت به این مطالبات نیز بار دیگر ماهیت امنیتی و سرکوبگرانه خود را آشکار کرد: قطع سراسری اینترنت، بازداشت‌های جمعی، شلیک مستقیم به معترضان، کشتار در خیابان‌ها و حتی هدف قرار دادن مجروحان در مراکز درمانی، همگی بیانگر تشدید شکاف میان جامعه و حاکمیت است.

هم‌زمان، درگیری‌های نظامی و تحولات امنیتی سال گذشته نیز بر وخامت وضعیت افزود و با کشته‌شدن غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌ها و گسترش ناامنی، فشار مضاعفی بر جامعه وارد کرد. در چنین بستری، افزایش قتل زنان، تداوم مرگ کارگران بر اثر نبود ایمنی، و بازداشت‌های گسترده سیاسی و صنفی، همگی نشان می‌دهد که بحران حقوق بشر در ایران به مسئله‌ای چندلایه، ساختاری و فراگیر تبدیل شده است که تمامی ابعاد زندگی شهروندان را دربرگرفته است.

در یک ارزیابی کلی، سال ۱۴۰۴ سال تشدید بی‌سابقه سرکوب در برابر گسترش بی‌سابقه مقاومت اجتماعی بود؛ سالی که در آن حکومت با اعدام، زندان، سرکوب خیابانی و پنهان‌کاری سازمان‌یافته کوشید بحران‌های فزاینده خود را مهار کند، اما در مقابل، جامعه با استمرار اعتراضات، همبستگی خانواده‌های زندانیان، مقاومت درون زندان‌ها و حضور مداوم اقشار مختلف در صحنه، نشان داد که مطالبات برای آزادی، عدالت، کرامت انسانی و تغییرات بنیادین نه‌تنها خاموش نشده، بلکه عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است. از این منظر، ۱۴۰۴ را می‌توان سالی تعیین‌کننده دانست که هم تاریک‌ترین ابعاد نقض حقوق بشر را آشکار کرد و هم پایداری جامعه در برابر سرکوب و تداوم خواست تغییر را به‌روشنی به نمایش گذاشت.